

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم و فنون پایه دوازدهم انسانی

درس دوازدهم: حسن تعلیل، حس آمیزی و اسلوب معادله

زیبا ناصرزاده دبیر ادبیات شهرستان بدره

آرایه های حسن تعلیل، حس آمیزی و اسلوب معادله هر سه موسیقی معنوی دارند.

منظور از **موسیقی معنوی** همان **آرایه های معنوی** است یعنی تضادها و تناسب های معنوی که در معنی واژه ها احساس می شود و این موسیقی به معنای وسیع آن شامل هر نوع هماهنگی و رابطه معنوی است که در میان واژه ها احساس می شود.

حسن به معنای خوبی، نیکی و زیبایی است و تعلیل به معنای علت آوردن و معنای لغوی آن، آوردن دلیل زیبا و خوب است. حسن تعلیل در اصطلاح ادبی عبارت است از: آوردن علتی ادبی و ادعایی برای امری، به گونه ای که بتواند مخاطب را اقناع کند. این علت سازی مبتنی بر تشبیه است و هنر آن زیبا یا زشت نمودن چیزی است.

با وجود اینکه حسن تعلیل، واقعی، علمی و عقلی نیست، مخاطب آن را از علت اصلی دلپذیرتر می یابد و راز زیبایی آن نیز در همین نکته است.

این آرایه در شعر و نثر هر دو به کار می رود.

■ چوب را چون بشکنی گوید تراق این صدا از چیست؟ از درد فراق

وقتی چوبی را بشکنی صدایی تولید می شود. شاعر می گوید: علت این صدا هنگام شکستن چوب به علت دوری و مهجوری است. چوب یک موجود بی جان است و شاعر ادعا می کند که این صدای تراق که از شکستن چوب به گوش می رسد به علت دوری و فراق است که صرفاً علتی شاعرانه است و واقعی نیست.



بنالد جامه چون از هم بدری بگرید رز چو شاخ او ببری
هنگام پاره شدن پارچه یا لباس، صدایی برمی خیزد، شاعر ادعا می کند که این ناله و گریه ی پارچه است که باز هم علتی خیالی و شاعرانه است. یکی از دانش آموزان، تکه ای پارچه را هنگام خواندن مصراع: «بنالد جامه چون از هم بدری» را به صورت نمایش اجرا کند.

■ در مصراع دوم، هنگامی که شاخه درخت رز را از درخت جدا می کنند قطرات آبی خارج می شود و شاعر ادعا می کند که درخت رز، وقتی شاخه اش را می برند گریه می کند که این علت شاعرانه و خیالی است زیرا این قطرات آبی که هنگام بریده شدن از شاخه رز می چکد یک علت علمی دارد ولی شاعر علتی ادبی آورده است؛ با اینکه واقعی نیست ولی برای ما دلپذیر است. در مصراع اول جامه به انسانی تشبیه شده و در مصراع دوم درخت رز به انسانی تشبیه شده که در غم از دست دادن جزیی از خویش می گرید.

■ مثال های دیگر:

■ رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار
گریه اش بر سمن و سنبل و
نسرین آمد

■ شاعر برای بارش بارن علتی ادبی و خیالی ذکر می کند. او بارش باران را
گریه ابر می داند و می گوید که ابر به علت بدعهدی و بی وفایی روزگار
نسبت به گل ها و گیاهان می گرید. دلیلی خیالی است که شاعر ذکر کرده
است.

■ حسن تعلیل در نثر هم دیده می شود. مثل:

■ از صوفی پرسیدند: هنگام غروب ، خورشید چرا زرد روی است؟
گفت: از بیم جدایی

■ سوال: چرا خورشید زرد روی است

■ پاسخ که علتی ادبی است: از بیم جدایی

■ پس در حسن تعلیل دنبال یک سوال و پاسخ ادبی می گردیم.

■ پس در آرایه حسن تعلیل، شاعر سوال و موضوعی را مطرح می کند و برایش علتی ادبی و شاعرانه می آورد که این علت واقعی و منطقی نیست. شاعران سبک هندی، این آرایه را در یک بیت می آوردند ولی در شاعران قبل از آنها در دو بیت می آوردند. مثل ابیات زیر:

■ من موی خویش را نه از آن می کنم سیاه تا باز نو جوان شوم و نو کنم گناه
■ چون جامه ها به وقت مصیبت سیه کنند من موی از مصیبت پیری کنم سیاه

■ سوال: چرا شاعر موهای سفیدش را سیاه می کند؟

پاسخ ادبی: من موهایم را به خاطر عزاداری پیری سیاه می کنم.

■ هنگام سپیده دم خروس سحری دانی زچه روی کند نوحه گری
یعنی که نمودند در آینه صبح از عمر بسی گذشت تو بی خبری

■ سوال: علت بانگ خروس در هنگام سحر چیست؟

پاسخ: سالیان زیادی از عمرت گذشت ولی تو در بی خبری به سر میبری؛ که پاسخی شاعرانه و خیالی می باشد.

آرایه حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس است در کلام، به گونه ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تاثیر سخن بیفزاید و سبب زیبایی شود.

* از آمیختن حواس ظاهری مثل حس بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی، چشایی با همدیگر آرایه حس آمیزی خلق می شود. مثل بیت زیر:

از این شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی گیرد؟

شنوایی لامسه چشایی

شعر از طریق حس شنوایی شنیده می شود و تر بودن از طریق لامسه و شیرینی از طریق چشایی درک می شود. حافظ، هر سه حس را به هم آمیخته است.

* حس آمیزی گاهی آمیختن حس باطنی با حواس ظاهری است. (حس باطنی حسی که از طریق حواس پنجگانه ظاهری دریافت نمی شود مثل عشق، عقل و ...)

مثل روح آبی رنگ، روح از طریق حواس ظاهری درک نمی شود ولی رنگ آبی را می بینیم. پس این ترکیب حس آمیزی دارد.

مثال دیگر برای حس آمیزی:

شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

بوی بهبود زاوضاع جهان می شنوم

شنوایی

بویایی

آیا بو شنیدنی است؟ یعنی با گوش و از طریق حس شنوایی احساس می شود؟ یقیناً این گونه نیست. ما بو را از طریق حس بویایی و یا بینی احساس می کنیم اما شاعر این دو حس را بویایی و شنوایی را با یکدیگر آمیخته و این از عوامل ایجاد موسیقی معنوی است.

• اسلوب معادله

• آرایه ای است که شاعر دو مصراع یک بیت را به گونه ای هنرمندانه بیان می کند که در ظاهر هیچ ارتباطی با هم ندارند. هر دو مصراع، استقلال معنایی و نحوی دارند.

• هر کدام از مصراع ها عناصری دارند یا به عبارت دیگر کلماتی در این ابیات وجود دارد که بازیگر نقش اول این ابیات هستند و به ظاهر ارتباطی با هم ندارند ولی وقتی که دو مصراع را معنی می کنیم؛ متوجه می شویم که مصراع دوم در حکم معادل و مصداقی برای مفهوم مصراع اول است و بین هر دو مصراع نیز رابطه تشبیه برقرار است.

• می توان جای دو مصراع را عوض کرد و میان آنها علامت مساوی گذاشت.

• مثال: عیب پاکان زود بر مردم هویدا می شود

• موی اندر شیر خالص زود پیدا می شود

■ عناصر و نکات کلیدی در مصراع اول: «عیب / پاکان» و در مصراع دوم: «موی / شیر» است که به ظاهر یعنی بدون توجه به مفهوم کلی بیت، هیچ ارتباطی با هم ندارند.

■ مصراع ها از لحاظ دستوری و نحوی نیز مستقل از هم هستند.

■ مصراع اول پیامی جدی دارد و مصراع بعدی غیرجدی، محسوس و شبیه ضرب المثل است و در عالم واقع آن را می بینیم که ما در کلاس درس، یک کاسه ی شیر که مویی داخل آن بود را به صورت نمایش، برای مصراع دوم در معرض دید دانش آموزان قرار می دهیم.



حالا معنی می کنیم اگر انسان های پاک، کار زشتی مرتکب شوند سریع آشکار می شود همان طور که اگر موی سیاهی داخل شیر بیفتد همه آن را می بینند.

حالا که معنی کردیم می بینیم که:

مصراع دوم یک مثال حسی برای تصدیق و تایید مفهوم مصراع اول است. مثالی محسوس که ما آن را در عالم واقع می بینیم مثل همین کاسه شیر و مویی که داخل آن بود.

در واقع شاعر بر پایه تشبیه، بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار کرده است. پاکان به شیر و موی به عیب تشبیه شده است.

مثال دیگر:

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را
عناصر مصراع اول یا بازیگران نقش اول این مصراع: «عشق / هوش / دل» با
عناصر مصراع دوم: «دزد / چراغ / خانه» از لحاظ ظاهری و بدون توجه به معنی
با هم هیچ ارتباطی ندارند.

هر دو مصراع از لحاظ نحوی و معنایی کاملاً مستقل هستند یعنی در پایان هر
مصراع می توانیم نقطه بگذاریم؛ یعنی بگوییم:

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را. جمله کامل است.

مصراع دوم نیز می گوید دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را. این جمله نیز
مستقل است هم از لحاظ نحوی و هم معنایی.

می توانیم جای دو مصراع را عوض کنیم. خلی در معنا ایجاد نمی شود.

رابطه تشبیه بین دو مصراع برقرار است. عشق به دزد، هوش به چراغ و دل به
خانه تشبیه شده است.

یکی از مصراع ها پیای جدی دارد و مصراع بعدی مثالی محسوس برای آن، ذکر می کند و در عالم واقع آن را می بینیم. بعضی اوقات حالت ضرب المثل دارد.

بیت را معنی می کنیم: «عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را» پیامی جدی دارد. می گوید عشق وقتی وارد دل کسی شود هوش و عقل او را می برد همان طور که وقتی دزد دانا وارد خانه ای می شود ابتدا چراغ خانه را خاموش می کند و رابطه تشبیه بین دو مصراع برقرار است. مصراع: «دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را» مثالی محسوس برای تایید و تصدیق مصراع قبلی است و ما در عالم واقع با حواس ظاهری آن را می بینیم. مثل ایندانش آموز که خود را

به شکل دزدی در آورد و وارد کلاس شد و لامپ را خاموش کرد.



خلاصه درس:

آرایه حس آمیزی از درآمیختن حواس ظاهری باهم خلق می شود مثل: سخن شیرین از در آمیختن حواس ظاهری با حواس باطنی و امور ذهنی نیز این آرایه به وجود می آید مثل: عقل سرخ و صداقت شیرین

آرایه ی حسن تعلیل: آوردن علتی ادبی، شاعرانه و ادعایی است برای امری. این علت سازی مبتنی بر تشبیه است با اینکه حسن تعلیل، واقعی و عقلی نیست، مخاطب آن را از علت اصلی دل پذیرتر می بیند. در شعر و نثر هر دو به کار می رود. مثل: خورشید زیر ابرها پنهان شد زیرا از رفتار بشر شرمنده شد.

اسلوب معادله تشکیل شده از یک بیت که یکی از مصراع ها پیامی جدی دارد و مصراع بعدی مثالی محسوس است و معادل و مصداقی برای تایید مفهوم مصراع قبلی است. هر دو مصراع استقلال معنایی و نحوی دارند و می توانیم جای دو مصراع را عوض کنیم. هر کدام از مصراع ها مصادیق و کلمات کلیدی دارند که به ظاهر هیچ ارتباطی با هم ندارند.

با آوردن «همان طور که» ارتباط معنایی و رابطه تشبیه نیز بین هر دو مصراع برقرار می شود.

ارزشیابی:

در کدام بیت حسن تعلیل دیده نمی شود؟

الف- چو شیرینی از من به در می رود

ب- دلم خانه مهر یار است و بس

ج- چو صبح صادق آمد راست گفتار

د- در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب

چو فرهادم آتش به سر می رود

ازان می نگنجد در آن کین کس

جهان در زر گرفتی محتشم وار

یا رب مباد آن که گدا معتبر شود

در کدام گزینه ، برای بیان حس آمیزی از حس درونی و باطنی استفاده شده است؟

الف- خبر داغ ب- وصال شیرین ج- مردمک آبی د- چمن خوش بو

در بیت زیر آرایه اسلوب معادله وجود دارد. زیرا.....

عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را سیل، یکسان می کند پست و بلند راه را

سوال اول: گزینه د

در مصراع اول: شاعر برای سوختن شمع علتی ادبی ذکر می کند او سوختن و آتش بر سرداشتن شمع را بدان سبب می داند که شمع از یار شیرین خود یعنی انگبین جدا مانده است که علتی خیالی است.

در مصراع دوم: شاعر کینه هیچ کس را در دل ندارد زیرا دلش مرکز محبت یار است که علتی شاعرانه است.

در مصراع سوم: شاعر علت در زر گرفته شدن جهان هنگام طلوع آفتاب به وسیله صبح صادق را ناشی از راست گفتاری صبح صادق می داند که صرفاً علتی خیالی است.

سوال دوم: گزینه ب.

سوال سوم: زیرا مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است؛ به گونه ای که می توان جای دو مصراع را عوض کرد؛

در واقع شاعر بر پایه تشبیه، بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار کرده است و هر یک از مصراع ها استقلال معنایی و نحوی



زیبا ناصرزاده شهرستان بدره